


شهید مزاری وراهکارهای صلح پایدار



عبدالحمید عارفی 

ارزش‌های حقوق بشری و تأمین کننده آزادی‌های عمومی افراد نیز بوده باشد. شهید وحدت‌ملی جناب استاد عبدالعلی مزاری با توجه و درک عمیق از جایگاه و اهمیت صلح در افغانستان، مدام تأکید داشت بر نفی و محو عوامل نزاع‌ها و نفاق‌هایی همچون افراطیت دینی و تعصبات کور مذهبی، قومی و فکری و همچنان از بین بردن انواع گوناگون بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های ناروا که همیشه سبب بروز منازعات ویرانگر در این کشور بوده است. به باور ایشان، نجات و رهایی از این مشکلات و معضلات نیز نیازمند صلح فراگیر است. صلحی که زمینه آن در اثر تلاش‌های مشترک، احترام متقابل و همدلی همه اقوام فراهم شده باشد. بنابراین، صلحی که در اثر اغراض سیاسی، سلیقه‌های شخصی و منافع گروهی و سمتی باشد، بدون تردید موقتی است و به هیچ وجه پایدار نخواهد بود.

صلح و ثبات پایدار در تمام جوامع بشری یک امری ضروری شمرده می‌شوند و از نیازهای اصلی انسان‌ها به شمار می‌روند. بدون صلح و امنیت دائمی، دستیابی به رفاه، آسایش، آرامش و توسعه انسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. به‌ویژه در کشوری مثل افغانستان که اقوام ساکن در آن، متأسفانه در طول تاریخ و به طور مداوم گرفتار جنگ‌های خونین، نفاق‌های ویرانگر و نزاع‌های گوناگون بوده‌اند و نسبت به همدیگر از هیچ ظلم و ستمی دریغ نداشته‌اند و همیشه در صدد تضییع حقوق یکدیگر بوده‌اند. از این‌رو، در چنین جامعه‌ای ضرورت صلح بیشتر احساس می‌شود. بدون شک، وقتی صلح واقعی در این سرزمین تحقق خواهد یافت که مبتنی بر نگاه انسانی و مشتمل بر باورها و ارزش‌های فردی و اجتماعی افراد در این جامعه باشد و همچنین تضمین‌کننده



صلح که فاقد معیارهای انسانی و قانونی باشد، هیچ جایگاهی در افکار عمومی و جامعه ندارد و برای مردم این سرزمین قابل قبول نخواهد بود. تمام انتظارات و توقعات مردم از آوردن صلح این است که بتوانند در یک فضای صلح‌آمیز و آرام و توأم با احترام متقابل زندگی کنند و زمینه‌ای فراهم شود تا همه اقوام و قبایل در کنار هم نفس بکشند.



ایشان همیشه فریاد بر می‌آورد که ما برای همه احزاب و ملیت‌ها احترام قائلیم و برای همه حق مساوی و برابر طبق نفوس‌شان می‌خواهیم و جنگ را راه حل نمی‌دانیم؛ چون کشوری که در آن تنوع دینی، مذهبی، قومی، نژادی، زبانی وجود داشته و پیشینه‌ای دارای تبعیض و برتری طلبی‌های نژادی و قومی بوده است و تا زمانی که ریشه‌های اصلی بحران و منازعه در کشور مورد توجه قرار نگیرد و حقوق برابر شهروندی، نادیده انگاشته شود و منابع و فرصت‌های ملی تنها در اختیار عده‌ای از اقوام قرار داشته باشند، به هیچ وجه مشکل حل نخواهد شد.



است و به عنوان یک رویه انسانی مورد توجه بوده است. این موضوع از دیدگاه شهید وحدت‌ملی نیز برجستگی خاص داشته است. ایشان همواره تأکید داشت که تبعیض، نابرابری، انحصارطلبی و عدم رعایت حقوق اساسی افراد و شهروندان، مغایر با وحدت و همبستگی ملی است. به همین جهت مدام یادآور شده است که نزاع‌های مذهبی، نژادی، قومی و قبیله‌ای، خانمان‌سوزند و نباید تمام انگیزه‌ها و نیت‌ها بر حذف دیگران و ضایع ساختن حقوق یکدیگر بنا شود. شهید وحدت‌ملی باورمند بود که اگر اقوام ساکن در افغانستان، هویت و شخصیت و حقوق همدیگر را نفی نکنند، دیگر مشکلی وجود نخواهد داشت. متأسفانه تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها در امتیازطلبی و مفکوره حذف همدیگر است. امتیازطلبی که گاهی در چهره مذهب ظهور می‌کند و گاهی در چهره نژاد. ایشان همیشه اعلام می‌کرد که ما با هیچ تنظیمی سر جنگ نداریم و وحدت‌ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانیم. ایشان دو دستگی را برای مردم ذلت و فاجعه قلمداد می‌کرد و کسانی را که این نوع مسائل را دامن می‌زدند به عنوان خائنین ملی تلقی می‌کرد.

دوم: برای تحقق صلح پایدار؛ مردم و احزاب ناگزیرند همدیگر را تحمل بکنند و در صدد حذف یکدیگر نباشند؛ چه از نگاه قومی و چه از نگاه حزبی و چه از نگاه مذهبی و امثال آن. ایشان همیشه فریاد بر می‌آورد که ما برای همه احزاب و ملیت‌ها احترام قائلیم و برای همه حق مساوی و برابر طبق نفوس‌شان می‌خواهیم و جنگ را راه حل نمی‌دانیم؛ چون کشوری که در آن تنوع دینی، مذهبی، قومی، نژادی، زبانی وجود داشته و پیشینه‌ای دارای تبعیض و برتری طلبی‌های نژادی و قومی بوده است و تا زمانی که ریشه‌های اصلی بحران و منازعه در کشور مورد توجه قرار نگیرد و حقوق برابر شهروندی، نادیده

واقعی می‌تواند نقطه اتصال تمام اقوام ساکن در این کشور باشد و باعث شود تا همگان بر محور آن گرد هم آیند و صادقانه همدیگر را در آغوش گرفته و دست هم را بفشارند. از این رو، بدون در نظر داشت ارزش‌های انسانی و کرامت ذاتی انسان‌ها و نادیده گرفتن آزادی‌های عمومی افراد در جامعه در پروسه صلح؛ به معنی عدم اعتقاد و باور به صلح پایدار و ثبات دائمی است. صلح که فاقد معیارهای انسانی و قانونی باشد، هیچ جایگاهی در افکار عمومی و جامعه ندارد و برای مردم این سرزمین قابل قبول نخواهد بود. تمام انتظارات و توقعات مردم از آوردن صلح این است که بتوانند در یک فضای صلح‌آمیز و آرام و توأم با احترام متقابل زندگی کنند و زمینه‌ای فراهم شود تا همه اقوام و قبایل در کنار هم نفس بکشند. چنان که فقدان صلح فراگیر در جامعه، باعث گسترش نفاق، ناامنی، خشونت و فاصله گرفتن از توسعه انسانی خواهد شد. به همین جهت، شهید وحدت‌ملی باورمند بود که باید همه اقوام و افراد در این جامعه، مشترکات خود را درک کنند و از حس مشترک انسانی برخوردار شوند و بر حفظ ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی افراد تأکید کنند تا زودتر به صلح پایدار، ثبات و توسعه انسانی دست یابند. همگان باید از افراط‌گرایی و تندروی‌های مذهبی، قومی و سیاسی پرهیز کنند و در مسیر اعتدال برای رسیدن به صلح مطلوب و توسعه انسانی گام بردارند. بنابراین از دیدگاه شهید وحدت‌ملی، می‌توان موارد ذیل را به عنوان راهکارهای مهم صلح در افغانستان مطرح کرد:

اول: صلح باید مبتنی باشد بر وحدت و همبستگی ملی که بی‌نهایت در هر کشوری مهم است و باعث ترقی و پیشرفت در جامعه خواهد شد. به همین دلیل این امر همیشه مورد تأکید همه مبارزان راستین و آگاهان با درک و با احساس قرار گرفته

برگزاری انتخابات عادلانه، آزاد و شفاف و سهم داشتن مردم و نقش آنان در تعیین سرنوشت جمعی و اجتماعی شان موجب تحکیم صلح پایدار و ثبات دائمی شده و حقوق سیاسی مردم را تثبیت و نهادینه خواهد کرد و موجب جلب اعتماد مردم شده و آنان را برای ادامه زندگی در این سرزمین تشویق خواهند کرد.



یکی از سخنرانی‌های ارزشمندشان نیز چنین بیان داشت که ما مردم افغانستان هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم، ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن‌ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هر کس به حقوق‌شان برسد و هر کس درباره سرنوشت‌شان خودش تصمیم بگیرد. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد، دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است، این خلاف رسوم بین‌المللی است. بنابراین، تحقق صلح پایدار نیازمند وحدت و همبستگی ملی و احترام گذاشتن به ارزش‌های حقوق بشری و انسانی افراد در جامعه و توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها است.

چهارم: برگزاری انتخابات عادلانه، آزاد و شفاف و سهم داشتن مردم و نقش آنان در تعیین سرنوشت جمعی و اجتماعی‌شان موجب تحکیم صلح پایدار و ثبات دائمی شده و حقوق سیاسی مردم را تثبیت و نهادینه خواهد کرد و موجب جلب اعتماد مردم شده و آنان را برای ادامه زندگی در این سرزمین تشویق خواهند کرد و همه گروه‌ها و افراد تلاش خواهند کرد تا از طریق جلب آراء مردم، حکومت را به دست آورند. به همین جهت شهید وحدت‌ملی همواره تأکید می‌کرد که باید همه مردم حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند و در غیر آن، دستیابی به صلح واقعی همچنان به صورت یک رؤیا در این کشور باقی خواهد ماند. از این‌رو، ایشان برگزاری انتخابات و شرکت در آن را مهم‌ترین راهکار برای فراهم شدن زمینه صلح پایدار در افغانستان ارائه می‌کرد و تأکید می‌کرد. بنابراین، راهکارهایی که در ارتباط با ایجاد صلح توسط شهید وحدت‌ملی فریاد زده شد، راهگشایترین راهکارها در تمام عصرها و نسل‌های جامعه افغانستان محسوب می‌شود که با روش آرام و به دور از هر نوع خشونت، قابل تحقق بخشیدن است. در صورت عملی شدن فرمایشات ایشان، هیچگاهی مردم مظلوم افغانستان، نزاع‌ها و روزهای تلخ و سیاه گذشته را تجربه نخواهند کرد و هرگز مصیبت‌های دلخراش تاریخی به سراغ‌شان نخواهند آمد. از این جهت اندیشه‌های نجات بخش ایشان در تاریخ مردم افغانستان ماندگارند و قابل ستایش و بی‌نهایت ارزشمندند.

انگاشته شود و منابع و فرصت‌های ملی تنها در اختیار عده‌ای از اقوام قرار داشته باشند، به هیچ وجه مشکل حل نخواهد شد. از این‌رو، ایشان تصریح می‌کند که تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها بر سر همین مسئله امتیازطلبی و حذف همدیگر است و تا این مشکل را به صورت بنیادی حل نکنیم، صلح پایدار تحقق نخواهد یافت.

سوم: احترام گذاشتن به کرامت انسانی و در نظر گرفتن حرمت ذاتی افراد در جامعه، مسئله مهم دیگری است که ارتباط با صلح پایدار باید از طرف جامعه و دولت مورد توجه جدی قرار گیرد و از برخوردهای مغایر با عزت و حیثیت انسانی افراد پرهیز شود. از لازمه احترام گذاشتن به حیثیت و کرامت انسان‌ها آن است که با همه اقوام و قبایل به صورت برابر و یکسان رفتار شود. به این معنا که همه افراد از همه حقوق و آزادی‌هایی که لازمه احترام به حیثیت ذاتی آنان است مثل حق حیات، آزادی عقیده، آزادی بیان، حق امنیت شخصی، حق تعیین سرنوشت و امثال آن، به صورت یکسان و برابر برخوردار باشند. شهید وحدت‌ملی باورمند بود که کرامت انسانی اقتضا دارد که همه اقوام و قبایل در عرصه‌های مختلف باید از حقوق برابر برخوردار باشند، به ویژه برابری در برابر قانون و دسترسی به عدالت؛ به این معنی که هیچ نوع تبعیض در طرح دعوی، مراحل محاکمه و رسیدگی قابل توجه نخواهد بود. مردم افغانستان باید از محدودنگری‌های قومی، زبانی، مذهبی، سمتی، سیاسی و امثال آن عبور کنند و به جای آن به بزرگ‌نگری و دیگراندیشی فکر کنند و حقوق و آزادی‌های همگان را به رسمیت شناخته و احترام کنند. متأسفانه هنوز هم نابرابری‌ها در میان اقوام و بخش‌های مختلف مردم افغانستان به طور گسترده مشاهده می‌شود و تبعیض قومی، منطقه‌ای، مذهبی و امثال آن را نمی‌توان انکار کرد. شهید وحدت‌ملی با توجه به وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر مردم افغانستان، تأکید داشت که عدالت اجتماعی بدون در نظر داشت ترکیب تناسبی اقوام کارساز نبوده و به دست نخواهد آمد و در نتیجه مردم این خطه از نزاع‌ها و نفاق‌های ملی و تبعیض‌های شکننده قومی رهایی نخواهند یافت. ایشان در